

ایذه شهری که باید از نو ساخت

مجتبی گهستونی

■ ایذه شهری باستانی در بخش زاگرس چین‌خورده یا میانه زاگرس، مردم آن لر و بختیاری و به‌جای‌مانده از هزاره‌های پیش از میلاد مسیح از ویژگی‌های مختلفی برخوردار است.
استقرار و حاکمیت پادشاهان پارینه‌سنگی، ایلامی، هخامنشی و ایلمیایی در سرتاسر کوهستان ودشت ایذه، این شهر را در زمره مهم‌ترین شهرهای تاریخی با ده‌ها نقش برجسته و سنگ‌نوشته قرار داده است.
ایذه دارای سه منظر جاذبه‌های تالابی، دشتی و کوهستانی است و در کمتر شهری از جهان این سه جاذبه با هم تلاقی می‌کنند، وجود چنین پدیده‌ای در اکوتوریسم و ژئوتوریسم هم نقش قابل توجهی می‌تواند داشته باشد.

با این حال بر‌خورداری از ویژگی‌های تاریخی بود که در مقاطعی ایذه به عنوان محلی برای دوره عالی آموزش باستان‌شناسی از سوی مرکز وقت باستان‌شناسی کشور انتخاب شده بود تا گروهی از بهترین باستان‌شناسان امروز کشور که در آن زمان می‌خواستند در مرکز وقت باستان‌شناسی استخدام شوند در دهه ۱۹۷۰ با «هنری رایت» به ایذه بیایند و کاوش‌های باستان‌شناسی خود را انجام دهند.
سیدمنصور سیدسجادی (سرپرست کاوش‌های باستان‌شناسی شهر سوخته)، اسماعیل یغمایی (از باستان‌شناسان پیشکسوت که تاکنون سرپرست چندین محوطه باستانی بوده است)، الهه شاهی، اسماعیل بنایی، شهین عاطفی و حاتمی از جمله این افراد بوده‌اند که بعدها جعفر مهرکیان که وی نیز دانش‌آموخته همین دوره‌ها بود اما در گنبدسلطانیه به سرپرستی سعید گنجوی تپه نور را مورد کاوش قرار داده بود به ایذه آمد و سال‌ها در این شهر کار کرد. وجود آثار و سنگ‌نوشته‌ها و سنگ‌نگارهای باستانی مربوط به همه دوران‌های تاریخی ایذه کنونی، آبیبار، آژان، مال میر قدیمی را به عنوان شهر نگارکننده‌های سنگی و صخره‌ای ایران برجسته کرده است.



مطالعات فعالیتی‌های باستان‌شناسی که منجر به بررسی محدوده سدها شد حکایت از آن دارد که نخستین بررسی‌های محوطه‌های تاریخی به منظور نجات‌بخشی آثار که در محور دریاچه‌ها قرار دارند در دهه ۷۰ میلادی در ایذه و در محدوده سد شهیدعباسپور (سد رضاشاه قبل از انقلاب) آغاز شد که بعدها در سال ۱۳۸۳ خورشیدی در طرح نجات‌بخشی محوطه سد کارون ۱۳، هیاتی به سرپرستی جعفر مهرکیان این محوطه را مورد بررسی قرار دادند. مطالعات بعدی باستان‌شناسی به منظور نجات‌بخشی آثار در محدوده سدها در سال ۱۳۸۶ مربوط به نجات‌بخشی آثار محوطه سد کارون ۲ در دشت سوسن است که به سرپرستی سیده‌حمود میراسکندری صورت گرفت. فارغ از همه خاصیت‌های مطالعات باستان‌شناسی در محور سدهای کارون ۲ و ۳ در ایذه باید اشاره کرد که آگاهی از قدمت دیرینه ایذه که به گونه‌های فراپارینه‌سنگی و عصر سنگ هم می‌رسد بیشترین اهمیت را داشت چرا که در یک بررسی مشخص شد ۳۱ غار وا‌شکفت و محوطه با باسنگ ابزارهایی که‌اکثر ا متعلق به‌فراپارینه‌سنگی هستند، شناسایی شده‌اند. از آنجایی که آثار به‌دست‌آمده در ایذه به دو دوره «یلام قدیم» و «یلام نو» تقسیم می‌شود از دوره یلام قدیم هم اکنون آثاری همچون نقش برجسته شاهسوار و نقش برجسته خنگ اژدر و از دوره یلام نو نیز نقش برجسته و سنگ‌نوشته‌های به‌جای‌ماننده در کول فره (کول فرح) و اشکفت سلمان برجسته و نمایان هستند.

همچنین از دوران اشکانی و ایلمیایی نیز می‌توان به آثار برجای‌مانده همچون سنگ‌نگاره خُنگ یارعلی‌وند، خنگ کمال‌وند و کتیبه ایلمیایی‌اش، نقش‌برجسته شاخص خنگ اژدر و قلعه کُزدمک اشاره کرد. اکنون که بخشی از سابقه تاریخی ایذه در شمال‌شرقی خوزستان معرفی شد و اکنون به نظر می‌رسد بسیاری از علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ در ایران و خارج از کشور با این بخش از سرزمین‌مان آشنایی ندارند این شرایط را باید محصول کدام عملکرد دانست؟
بایتنکه ایذه بیش از آنکه یک شهر صنعتی و حتی متکی به دامپروری و کشاورزی باشد شهری تاریخی با برخورداری از جاذبه‌های فراوان گردشگری در دو حوزه تاریخی و طبیعی است اما تاکنون از این ظرفیت استفاده نکرده است و به حداقل درآمدهای دامپروری و کشاورزی بسنده کرده است. ایذه که در مسیر راه ارتباطی خوزستان – چهارمحال و بختیاری و اصفهان قرار دارد اما با توجه به اهمیت و موقعیت خود رشد نکرده و اگر تنها بخشی از پیشنهادات همایش‌های راهکارهای توسعه پایدار شهرستان ایذه عملیاتی و اجرایی می‌شد باید امیدوار بود که تحولی در این شهر در حوزه اشتغال‌زایی، تبدیل این شهرستان به یک پایگاه درجه اول باستان‌شناسی، رونق اقتصاد محلی، محرومیت‌زدایی، ارتقای سطح علمی و فرهنگی ... به وقوع بپیوندد.

میراث



عدم محافظت از شاهکار مهندسی ساسانی

«مسجد سنگی» داراب پناهگاه معتادان شده است

فروغ صادقی

مسجد سنگی، آسیاب سنگی و کانال انتقال آب ساسانی در داراب استان فارس یادگارهای منحصربه‌فردی از هنر معماری ایرانیان باستان هستند که در اثر بی‌توجهی علاوه بر تخریب‌های همیشگی زیر چرخ ماشین‌های جاده‌سازی قرار گرفته‌اند. استان تاریخی و پهناور فارس در تاریخ ایرانیان نقش بسزایی داشته است؛ از زمان امپراتوری بزرگ هخامنشی تا دوران کریم‌خان زند وکیل‌الرعیاد. به همین دلیل این استان حق بزرگی بر گردن فرهنگ و تمدن سرزمین ایران و ایرانیان داشته است.

گوشه گوشه این استان پر است از آثار و میراث‌های تاریخی دوره‌های مختلف تاریخ ایرانین. تخت جمشید، پاسارگاد و نقش رستم را همه می‌شناسند اما در جنوب این استان و در فاصله شش‌کیلومتری شهر داراب، محوطه‌ای باستانی قرار دارد که به‌رغم وجود آثار تاریخی بسیار منحصربه‌فرد و زیبا در آن کمتر مورد توجه واقع شده است. یکی از آثار تاریخی زیبایی که در این محل وجود دارد بنایی کنده و تراشیده‌شده در دل کوهی صخره‌ای است که روی تالابویی که در نزدیکی آن نصب است، این‌گونه نوشته‌اند: «این اثر منسوب به عصر ساسانی و از جهت سبک بنا در نوع خود بی‌نظیر است. ساختمان اصلی آن در دل کوه ساخته شده و ستون‌های آن تماماً سنگی است. بر اساس شواهد این مکان در آغاز معبد مهرپرستان آریایی بوده و در دوره ساسانیان به آتشکده تبدیل می‌شود و سپس در عصر اتابکان فارس به فرمان اتابک ابوبکر بن‌سعد بن زنگی به سال ۶۵۲ ه‍. ق با ساختن محرابی در ضلع جنوبی آن به مسجد تبدیل و از آن زمان به نام مسجد سنگی مشهور می‌شود.»

این مسجد با پلانی چهارسو در کوهی مشهور به «پهنه» یا «پننا» واقع شده است. پلان «چهارسو» در این مسجد، سابقه‌ای اصیل و دیرین در معماری سنتی ایران دارد. حالت چهارسوی آن دقیقاً برگرفته از پلان

چهارطاقی‌ها و گسترش آن از مرکز به یک اندازه است و در تمام اجزای آن، سنتی کاملاً ایرانی و اسلامی دیده می‌شود. مسجد سنگی (صخره‌ای) داراب نمونه‌ای منحصربه‌فرد در ایران است. طولانی‌ترین قسمت آن، طول شرقی، غربی است که از در ورودی شروع می‌شود. ورودی‌های آن در سمت جنوب‌شرقی قرار دارد و فاصله آن از ابتدای درگاه ورودی تا انتهای شمال‌غربی تقریباً ۲۰متر است. طول دو سوی دیگر مسجد که یکی در راستای جنوب‌غربی و دیگری در امتداد شمال‌شرقی است ۱۸/۰۷ متر است.

به نظر می‌رسد کار احداث این بنا با کندن کوه از بالای نورگیر شروع شده و به صورت یک چاه با پلان مربع به پایین رفته است. سپس از چهار سمت دیوارهای چاه، ایوان‌های مسجد کنده شده‌اند که از نظر زمانی می‌تواند تاریخ اتمام آن را به یک‌چهارم کاهش دهد. این مسجد در دو قسمت کتیبه دارد: یکی کتیبه محراب و دیگری کتیبه‌ای که در قسمت بالای ورودی داخلی جلو خان و ابتدای ایوان شرقی در بالای درگاه و جرزهای طرفین آن قرار دارد. متن یکی از این کتیبه‌ها

فرسوده و به مرور زمان دچار صدمه زیادی شده و دیگری دارای متن کوتاهی است. کتیبه بالا ناخواناست و کتیبه پایین تاریخ سال ۶۵۲ را نشان می‌دهد. این کتیبه آسیب زیادی دیده و دوده آن را سیاه کرده است. کتیبه اطراف محراب نیز که همانند بقیه به خط کوفی است در حال پیدا کردن سرنوشتی مشابه کتیبه بالای ایوان ورودی است. علاوه بر این در زمین‌های نزدیک همین محل بقایای کلال آبی به طول دست‌کم ۲۰ کیلومتر دیده

می‌شود که پیداست در زمان رونق خود آب را از فاصله‌ای دور و دراز به آسیایی بزرگ در همین حوالی می‌رساند تا گندم مردمان را با چرخدینی مدام آرد کند و چرخ زندگی‌شان را بچرخاند. اگر دقیق تر شویم در مسیر همین کلال بخش‌هایی از بقایای تنوره آب و آسیایی که آب‌ها به مقصد آن از کیلومترها آن‌سوتر کانال کشی شده بود هم دیده می‌شود؛ بقایایی که این ایام در غربتی غربی لحظه به لحظه با مدد مردم محلی و متولیان امور، فرایند تبدیل شدن به مشتی خاک بی‌ارزش را با سرعت طی می‌کند. آسیاب سنگی داراب که این کلال ۲۰کیلومتری انتقال آب با هدف رساندن آب به آن ایجاد شده بود از منحصربه‌فردترین آسیاب‌های سنگی ایجادشده در دل صخره است که سیستم آبخیزداری انتقال آب به آن در مسیر خود گاه از دل سنگی کوه و گاه با ملات ساروج و سنگ ایجاد شده بود. بنا به گفته کارشناسان باستان‌شناسی این مجموعه از عجیب‌ترین، دقیق‌ترین و پیشرفته‌ترین سازه‌های مهندسی مدیریت منابع آبی در تاریخ محسوب می‌شود؛ سازه‌هایی که از نظر بزرگی و دقت به کاررفته در

آن در کمتر جایی دیده شده است. اگر قطر تنوره‌های آب مورد استفاده در این مجموعه مهندسی آب را که بیش از دو متر طول دارد، با قطر تنوره‌های ۷۰سانتیمتر سازه‌های آبی شوستر که به ثبت جهانی رسیده است با هم مقایسه کنیم، متوجه شکوه این مجموعه خواهیم شد. این محوطه باستانی و آثار موجود در آن با وجود دارا بودن این درجه از اهمیت هرگز به آن حد که شایسته باشد مورد حفاظت قرار نگرفته‌اند، به گونه‌ای که هیچ شخصی

در هفت کیلومتری ویرانه‌های تخت‌جمشید، ویرانه‌های شهر استخر معروف به «تخت طلووس» قرار دارد. شهر استخر پنج سال پیش از میلاد و ۱۰ سال پس از آن قدمت دارد و شاهد تاجگذاری‌ها و جشن‌ها و شکوه بسیاری بوده و صدها هزار نفر ساکن داشته است.

این شهر تا پایان پادشاهی ساسانیان از آبادترین و باشکوه‌ترین شهرهای ایران باستان بود، اما توسط اسکندر ویران و بعد از آن توسط اعراب تسخیر شد و به دلیل خیزش‌های پیاپی مردم (از سال ۲۳ تا سال ۲۹ هجری) بارها فتح شد و مردم آن قتل عام شدند و پس از آن تنها ویرانه‌ای از آن برجای ماند. اولین بار استخر در زمان عمر بن خطاب توسط عثمان بن ابی العاص تسخیر و اموال و زمین‌های مردم به غنیمت گرفته شد و همچنین برای آخرین بار در سال ۲۹ هجری عبدالله عامر گماشته عثمان پس از تسخیر شهر گور به سوی استخر شتافت تا خیزش چندبار مردم استخر را سرکوب کند ولی با مقاومت سخت و گسترده آنان ویرهو شد، اما سرانجام مردم را کشتار و شهر را دوباره تسخیر کرد.

استخر یا اصطخر که به تخت طلووس نیز مشهور است اگرچه این روزها مظلوم و بی‌پناه در این گوشه از استان فارس به امان خدا رها شده اما در دوران خود جزو بزرگ‌ترین شهرها قلمداد می‌شد، آن‌گونه که تاریخ‌نویسان نقل می‌کنند شهری عظیم بود با چهار دروازه در چهار سوی خود. استخر یا اصطخر که به تخت طلووس نیز مشهور است اگرچه این روزها مظلوم و بی‌پناه در این گوشه از استان فارس به امان خدا رها شده اما در دوران خود جزو بزرگ‌ترین شهرها قلمداد می‌شد، آن‌گونه که تاریخ‌نویسان نقل می‌کنند شهری عظیم بود با چهار دروازه در چهار سوی خود. استخر یا اصطخر که به تخت طلووس نیز مشهور است اگرچه این روزها مظلوم و بی‌پناه در این گوشه از استان فارس به امان خدا رها شده اما در دوران خود جزو بزرگ‌ترین شهرها قلمداد می‌شد، آن‌گونه که تاریخ‌نویسان نقل می‌کنند شهری عظیم بود با چهار دروازه در چهار سوی خود. استخر یا اصطخر که به تخت طلووس نیز مشهور است اگرچه این روزها مظلوم و بی‌پناه در این گوشه از استان فارس به امان خدا رها شده اما در دوران خود جزو بزرگ‌ترین شهرها قلمداد می‌شد، آن‌گونه که تاریخ‌نویسان نقل می‌کنند شهری عظیم بود با چهار دروازه در چهار سوی خود.



گزارش خبری

احداث ايستگاه «مترو»

در ساختمان تاریخی «ایران پیمّا»

■ خبرگزاری میراث: ساختمان تاریخی ایران‌پیمّا بنایی به یادگارمانده از دوران پهلوی اول در چهارراه زند این روزها میزبان یک باسکول صدتنی و کارگاه ساخت ایستگاه شماره ۱۱ مترو شیراز است. بر اساس اسناد تاریخی این بنای تاریخی باشکوه اولین بنای ساخته‌شده با استفاده از تجربه معمارانه نوین در شیراز است. با این حال تردد شبانه‌روزی ماشین‌های سنگین بقای این اثر فاخر را به خطر انداخته است. ساختمان ایران‌پیمّا در شهر شیراز به گفته کارشناسان میراث فرهنگی نخستین بنایی است که در اولین سال‌های قرن معاصر به سبک جدید ساخته شده و دارای بالکن‌های رو به خیابان است. این سبک از نماسازی به‌عنوان نخستین تجربه معمارانه در شیراز به شمار می‌رود. بنا تر کبیی زیبا از عناصر معماری اصیل ایرانی و الگوهای رایج در سال ۱۳۱۰ است که با استفاده از آجر، سنگ، چوب و فلز ساخته شده است.

گاراژ ایران‌پیمای شیراز در تاریخ دوم آبان سال ۸۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. این بنا در طول سال‌های گذشته آسیب‌های بسیار جدی دیده با این حال این اثر در سال‌های ۸۶ و ۸۷ با اختصاص اعتباری به مبلغ ۹۰ میلیون تومان مرمت و بهسازی شد. این عملیات شامل مرمت، استحکام‌بخشی دیوارها، جمع‌آوری و اجرای مجدد سقف‌های (کاذب) چوبی، پاکسازی و دوده‌زدایی از نمای بنا و جمع‌آوری تالپوهای ناهمگون بود.

با وجود این اما مدتی است ایستگاه شماره ۱۱ مترو شهر شیراز در محوطه درونی این بنا شروع به کار کرده و همین مساله موجب بروز آسیب‌هایی جدی و غیرقابل جبران به ساختار آن شده است. علاوه بر این در ورودی اصلی این اثر یک باسکول صدتنی برای وزن کردن مصالح واردشده به کارگاه مترو نصب شده است که مسوولان این



کارگاه برای جاسازی آن بخش‌های زیادی از کف و پی دیوارهای بنا را تخریب کرده‌اند.

در کنار این نیز تردد شبانه‌روزی و لحظه به لحظه ماشین‌های سنگین اعم از لوهر و بیل مکانیکی و همچنین کامیون‌های ۱۰ تنی و برپایی یک سیلوی بزرگ سییمان در داخل محوطه موجب شده است این اثر تاریخی آسیب‌های بسیار جدی ببیند. بدون شک ادامه فعالیت این کارگاه‌ها، این اثر تاریخی و باشکوه را که در فهرست آثار ملی هم به ثبت رسیده با خط‌های زیادی مواجه خواهد کرد.

بنای تاریخی گاراژ ایران‌پیمّا واقع در شیراز، چهارراه زند، تقاطع خیابان زند و سعدی در سال ۱۳۱۰ به‌دست معمار شیرازی ابوالقاسم مهندسی با سبک معماری دوره اول پهلوی ساخته شده که از ابتدا کاربری گاراژ داشته. سال‌ها نیز از این بنای تاریخی جهت پارکینگ عمومی استفاده می‌شده به طوری که ۲۰درصد آن تخریب شده و جای آن را مغازه‌های تجاری گرفته است.

این بنا با اجرای قوس در قوس در نمای جلو عمارت همراه با ترکیبی از چوب‌های منقش و آجر و کلاف‌کشی به‌وسيله آهن (در داخل عمارت) نمای بدیعی دارد. گفته می‌شود هنگام ساخت این بنا، مردم نیمکت و صندلی می‌چیدند و روبه‌روی این عمارت می‌نشستند و ساختن آن را تماشا می‌کردند. کف بنا در حال حاضر با پوشش آسفالت فرش شده و احتمالاً کف اصلی در زیر وضع موجود قرار گرفته و برای دستیابی به آن نیاز به حفر چند گمانه در نقاط مختلف حیاط است.

ایسن بنا در ابتدا به گاراژ رهایی معروف بود. با این حال اما در سال ۱۳۲۵ با تأسیس شرکت ایران‌پیمّا در تهران، گاراژ رهایی به‌نام گاراژ ایران‌پیمّا معروف شد.

معاون حفظ و احیای اداره کل میراث فرهنگی استان فارس می‌گوید از اتفاقاتی که در ساختمان تاریخی گاراژ ایران‌پیمّا در چهارراه زند شیراز در حال رخ دادن است، اطلاعی ندارد. او می‌افزاید این استان سه‌هزار اثر تاریخی دارد و من دو سال است به اداره کل فارس آمدم‌ام در صورتی که برای اشراف به وضعیت این آثار دست‌کم ۲۰ سال زمان نیاز است.

معاون حفظ و احیای اداره کل میراث فرهنگی استان فارس در ادامه افزود: «استان فارس حدود سه‌هزار اثر تاریخی ثبت‌شده دارد و من نمی‌توانم در آن واحد از جزئیات اتفاقاتی که در آنها رخ می‌دهد اطلاع داشته باشم. دلیل آن هم این است که من دو سال است به این سمت منصوب شده‌ام و طبیعی است به موضوعات اشراف نداشته باشم، چرا که اشراف به وضعیت همه آثار تاریخی ۲۰ سال زمان می‌برد. آنقدر مسایل ریز و درشت وجود دارد که یک مدیر نمی‌تواند در جریان همه آنها باشد.»